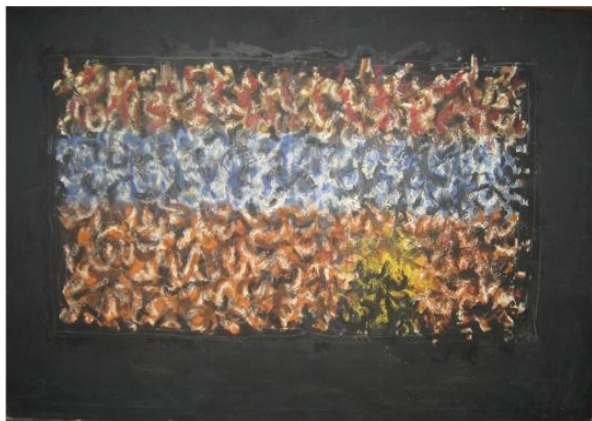


کامران دیبا

کامران دیبا نقاشی را در سال‌های پایانی دهه‌ی سی خورشیدی (دهه‌ی پنجاه میلادی) آغاز کرد. در آمریکا یادگیری نقاشی با شناخت مکتب‌های آمریکایی هنر و نقاشی روز همراه است. نخستین کارهای دیبا در آمریکا از «Abstract expressionism» یا



قالی، (۱۳۴۰) 1961، بوم، ابعاد ۱۸۲ × ۱۱۸، مجموعه موزه هنرهای معاصر تهران

به دیگر سخن «مکتب نیویورک» اثر پذیرفته است. اما دیبا در غربت نیز همواره ارتباطش را با تمدن و سنت‌های ایران حفظ کرده است. آثار یاد شده اگرچه در فرم و محتوا آشکارا انتزاعی‌اند، از خط و صفحات تزئینی و نگارگری نیز یاری

گرفته‌اند. از سوی دیگر در این کارها تأثیر غیرمستقیم «مارک راتک» و تمرین‌های خطی «مارک توبی» در کنار خشونت قلم اکسپرسیونیستی به چشم می‌خورد.

کامران دیبا دوره‌های کاری و سبکی گوناگونی را گذرانده است. او بر این باور است که سیر زمان و تفکر هنرمند ضرورتاً بر یک شیوه نیست و همراه با دگرگونی زمان، اندیشه و کار هنر مند نیز می‌تواند دگرگون شود.

نخستین کارهای او هم زمان با آثار قندریز و زنده رودی و برخی دیگر از هنرمندان آن



سبز روی آبی، (۱۳۴۰) 1961، بوم، ابعاد ۱۸۲ × ۱۱۸، مجموعه موزه هنرهای معاصر تهران

دوره آفریده شده اند و روح کم و بیش مشترکی در کارهای همه‌ی این هنرمندان دیده می‌شود. پیوند ژرف دیبا با ریشه‌های فرهنگی کشورش سبب شده تا در پویه‌ی هنری اش در جست و جوی هویت فرهنگی ملی، از راه دور با دیگر نقاشان ایرانی همگام باشد.

دیبا پس از پایان تحصیلاتش در آمریکا در سال 1965م، بی‌درنگ به ایران بازگشت و به زودی ارتباط خود را با جامعه‌ی هنری ایران برقرار کرد. او با بیشتر هنرمندان ایران آن زمان دوستی داشت. تناولی، زنده رودی و بعدها حاجی‌زاده از دوستان نزدیک وی بودند.



آب باز زبردست، (۱۳۴۵) 1966،
بوم، مجموعه Grey Art Gallery،
دانشگاه نیویورک

در آن زمان کارهای هنری دیبا در ایران رویدادهایی به تمامی نو بودند و از مرزهای شناخته شده‌ی هنری آن روز فراتر می‌رفتند. نخستین نمایشگاه وی در ایران تقریباً در نیمه‌ی دوم دهه‌ی هزار و سیصد و چهل در نگارخانه سیحون به نام «آب باز زبردست» اثری نوین و چند رسانه‌ای بود. این نمایشگاه چیدمانی از پانل‌ها و جعبه‌های بزرگ بود که روی آنها پیکره‌های تمام قد آدمی به اندازه‌ی واقعی نقاشی شده بود، جا به جا روی سکوها به جای مجسمه، لوازم آب‌رسانی، شیر و اتصالات و ابزار لوله‌کشی به نمایش گذاشته شده بود. کنایه‌ای از فرود آوردن هنر از جایگاه والا و اشراف

منشاش و هم‌تراز کردن آن با تولیدات صنعتی مصرفی پیش پا افتاده - افزون بر همه‌ی این‌ها گفتاری درباره‌ی آب که دیبا آن را به شیوه‌ی شعر نو سروده بود با صدای پرویز ت ناولی

و یک زن ناشناس روی نوار ضبط شده بود و پیوسته و به تکرار در فضای نمایشگاه پخش می‌شد.

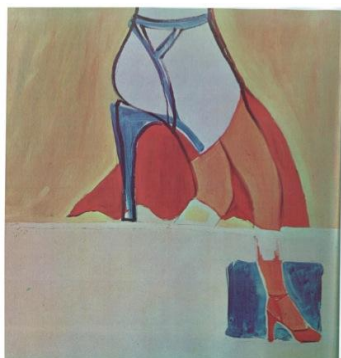
آب قطره قطره می‌چکد

یک قطره . . .

دو قطره . . .

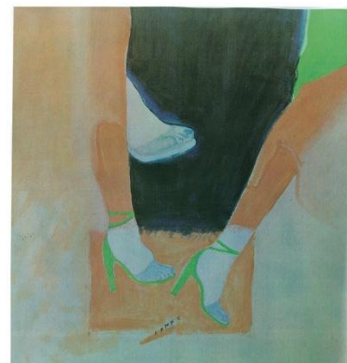
. . .

یکی از ویژگی‌های این اثر مشارکت دوستان هنرمند وی در این کار است. نوشته‌ها به خط پیل آرام است و الهام بخش این اثر شادروان غزاله علیزاده بوده است. نمایشگاه بعدی دیبا در نخستین سال‌های دهه‌ی هزار و سیصد



سری با من راه بیا، (۱۳۵۵)
1976، ابعاد نامعلوم، مجموعه
موزه هنرهای معاصر تهران

و پنجاه در نگارخانه
زند برپا شد. در این
نمایشگاه علاوه بر
نقاشی‌های روی بوم با
موضوع کفش، بخشی از
اثر به شیوه نمایشی



سری با من راه بیا، (۱۳۵۵)
1976، ابعاد نامعلوم، مجموعه
موزه هنرهای معاصر تهران

با مشارکت بازدید
کنندگان اجرا می‌شد.

داوطلبان روی سکوی قهرمانی ورزشی - که دیبا آن را از سازمان تربیت بدنی وقت وام گرفته بود - می‌ایستادند و احمد عالی (عکاس و از دوستان دیبا) از کفش‌های آنان عکس می‌گرفت.

دیبا در طراحی پارک شفق
و فرهنگسرای نیاوران
نیز از همکاری پرویز
تناولی بهره گرفت. به
سفارش دیبا تناولی برای
این دو پروژه شش مجسمه



نمایش - قهرمانان، (۱۳۵۵) 1976، ابعاد ۱۵۲ × ۱۱۸، مجموعه موزه
هنرهای معاصر تهران

از افراد معمولی در اندازه های واقعی ساخت . نصب این مجسمه ها در این مکان ها نیز در نوع خود کاری تازه و



پیکره های فرهنگسرای نیاوران، سفارش دیبا، ساخت
تتاولی، ۵۷ - ۱۳۵۴، در مقیاس واقعی

انقلابی بود. تا آن هنگام تنها مجسمه های افراد مهم و شناخته شده را در مکان های همگانی نصب می کردند. گذشته از آن این مجسمه ها حالت هایی کاملاً معمولی و روزمره داشتند. روی زمین نشسته یا دراز کشیده بودند، یکی در کناری ایستاده بود و مردم را تماشا می کرد، یکی در گوشه ای کتاب می خواند، همان کارهای روزمره ای که مردم عادی در فضاها همگانی می کنند. دیبا همواره هم زمان در دو دنیای هنر و معماری می زیسته است. او در زندگی هنری اش گذشته از نقاشی کوشیده است با پایه گذاری نهادهای فرهنگی و هنری زمینه ارتقای هنر و هنرمند را در کشور فراهم آورد.

«کامران دیبا که علاوه بر معماری نقاشی هم می کرد طی دوران فعالیت خود در ایران نقشی مؤثر در فعالیت های جمعی هنری آن دوره بازی کرد که با طراحی و برنامه ریزی فعالیت موزه ی هنرهای معاصر تکمیل و ماندگار شد»¹

کریم امامی در دانشنامه ایرانیکا از دیبا به عنوان معمار، نقاش و کاتالیزور هنری یاد می کند،

یعنی کسی که روند پیشرفت جریان های هنری در کشور را سرعت بخشید.²

دیبا گذشته از آن که معمار موزه ی هنرهای معاصر تهران است مدیر مؤسس آن نیز بوده است . او بی‌پشتیبانی سازمان‌های رسمی - موزه در فعالیت و



موزه هنرهای معاصر تهران، عکس از کامران عدل

برنامه ریزی‌هایش مستقل از دولت بود - شخصاً ساختار اداری و سازمان هنری این نهاد را پایه گذاری کرد و امکانی فراهم آورد تا موزه ی هنرهای معاصر تهران دارای یکی از بهترین گنجینه‌های آثار هنری ایرانی و خارجی گردد . خرید بیشتر این آثار مستقیماً به انتخاب و با مسئولیت وی بوده است. این موزه تاکنون آخ رین اثر هنری و فرهنگی او در ایران است که خوشبختانه هنوز نیز زنده و پابرجاست. پس از انقلاب بسیاری از آثار امضا نشده ی دیبا جا به جا شدند و محل آنها یا اساساً بود و نبودشان نامعلوم است .³ او پس از انقلاب همچنان به نقاشی ادامه داده و چند دوره ی هنری مشخص دارد.

مجموعه کاری که امروز پیش رو دارید سه دسته اند: 1- دختر ناکام 2- گل و بلبل 3- ایران زمین بن‌مایه اصلی کارهای هرسه دسته، زن و خشونت های اجتماعی است، اما جالب است که این نگاره ها به هیچ روی سنگین و خشن نیستند. فرم‌ها و رنگ‌ها و واژه‌ها در برگردارنده ی جنب و جوش و شادی بی‌خیال طنزگونه‌ای هستند که در جمله‌های گاه

بی‌سر و ته و خنده دار نوشته‌ها به اوج می‌رسند. فضاهاى لخت و ساده‌ی تابلوها نیز به این سبکی دامن می‌زنند.

در نگاره‌های دختر ناکام تأکید بر بار معنایی واژه‌ها و فضایی است که به کمک آنها خلق می‌شود، واژه‌هایی که معمولاً در ادبیات حادثه‌ای روزنامه‌ها یا داستان‌های پاورقی مجله‌ها به چشم می‌خورند. گاه نیز واژه‌هایی می‌بینیم که به نظر



دختر ناکام، (۱۳۸۶) ۲۰۰۷، بوم، ابعاد ۸۰ × ۸۰، تهران، گالری آو

آشنا اما قدیمی می‌رسند. مثلاً عبارت «دختر ناکام» عبارتی است

متعلق به ادبیات پاورقی دست‌کم چهار دهه پیش، این واژه‌های «تاریخ گذشته» گویی فضایی نئوستالژیک خلق می‌کنند. حتا بریده‌های تصاویر زن در این تابلوها یادآور داستان‌های مجله‌های قدیمی‌اند. سطح‌های نوشته روی تابلوها نخست تنها یک عنصر دیداری‌اند اما هنگامی که از فاصله‌ی کمتر آنها را می‌خوانیم به بریده‌های صفحه‌ی حوادث روزنامه می‌مانند. این نوشته‌ها قصد انتقال هیچ گونه پیام حتا پیام‌های اجتماعی بر ضد خشونت را ندارند چرا که گاه جمله‌ها به نظر بی‌معنی یا خنده‌دار می‌رسند. این تناقض در نوشته‌های هر سه دسته وجود دارد. تناقض میان اخبار دردناک و تکان‌دهنده‌ی حوادث و گلدان‌های پر از گل‌های رنگارنگ و تناقض میان مفاهیم زن و قدرت. این تناقضی است که اساساً در متن زندگی جاری است. ما هر روز بارها با آن روبه‌رو می‌شویم و شاید کمتر به آن توجه می‌کنیم.

در نگاره‌های گل و بلبل همیشه تکه‌ای از نوشته‌ی حادثه‌ای در کنار گلدانی پر از گل با رنگ‌های شاد و سبک به چشم

می‌خورد. فضایی که این نگاره‌ها در ذهن می‌سازند با مفاهیم «کانون خانواده» و آرامش‌پذیرنده‌ی «خانه» در پیوند است. بریده‌ی روزنامه در کنار گلدان اگرچه برای لحظه‌هایی چند این آرامش و شادی را مکدر می‌کند اما در همان حال نشان می‌دهد که زندگی جری آن دارد و البته چنین اخباری مانند مجموعه‌های تله‌ویزیونی هر روزه که در ساعت‌های میانه‌ی روز یا شب برای مخاطب عام پخش می‌شوند و کشمکش‌های زندگی روزمره‌ی افراد عادی و آشنا را نمایش می‌دهند، برای هیجان بخشیدن به زندگی و گریز از یکنواختی لازم‌اند.



ایران زمین، (۱۳۸۶) ۲۰۰۷، بوم، ابعاد ۴۰ × ۵۰، تهران، گالری آو

در متن نگاره‌های ایران زمین نقشه‌ی امپراتوری کهن ایران نمادی از قدرت گذشته‌ی ایران و چهره‌ی زن نماد «مام میهن» یا مادرانی است که در تاریخ کمتر نامی از آنان برده می‌شود و افتخار و عظمت

تنها از آن فرزندان ایشان است. این نگاره‌ها به هیچ‌روز بازتابنده‌ی حسرت و افسوس بر عظمت امپراتوری فروپاشیده نیستند بلکه برعکس احساس خوشایندی از پیوند با یک پدیده‌ی کهن تاریخ را منتقل می‌کنند. با این‌که مام میهن نیز در طول تاریخ در جنگ‌های بزرگ و کوچک درگیر خشونت بوده است اما باز در فضای آرام نگاره‌ها نشانی از خشونت دیده نمی‌شود.

طبیبه رضایی

-
- 1 - مجله معمار، شماره 10، پاییز 1379، صفحه 14.
 - 2 - دانشنامه ایرانیکا، جلد دوم، 1978، صفحه 642.
 - 3 - اگر کسانی دارای کارهای بی‌امضایی هستند که به یقین یا به احتمال اثر دیباست می‌توانند با فرستان تصویری از اثر امکان شناسایی آن را فراهم کنند. چنانچه اثر از دیبا باشد، تصویر آن در کتاب مجموعه‌ی آثار وی چاپ خواهد شد.